روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۱۸ فروردین ۱۳۹۵ • ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۷ • ۶ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۵۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۹ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

تجربه دیگران

اهمیت دستنوشته در دنیای دیجیتال

● در دنیای دیجیتالی‌شده ما، دیگر کمتر کسی است که به نوشتن با دست اهمیت بدهد؛ اما یک تحقیق که اخیرا انجام شده است نشان می‌دهد نوشتن به وسیله قلم و کاغذ، تأثیرات مثبت زیادی بر یادگیری و حافظه مخصوصا در میان دانش‌آموزان و دانشجویان دارد. به گزارش «وال‌استریت ژورنال»، محققان دانشگاه پرینستون و دانشگاه کالیفرنیا، در پژوهشی که در این زمینه انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند دانشجویانی که مطالب را می‌نوشتند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که با تبلت‌ها و موبایل‌های هوشمند می‌نوشتند، عملکرد بهتری داشته‌اند. به این شکل که دانشجویانی که از قلم و کاغذ استفاده می‌کرده‌اند، یادگیری بهتری داشته‌اند، مطالب مدت‌زمان بیشتری در خاطرشان باقی می‌ماند و همچنین ایده‌های بهتری هنگام نوشتن به ذهنشان خطور می‌کرد. نتایج این تحقیق توسط پژوهشگران دیگر نیز موردتأیید است. «کن کیرا»، روان‌شناس آموزشی دانشگاه نبراسکا، در این زمینه می‌گوید: «نوشتن با قلم و کاغذ به فکرکردن نظم می‌بخشد و ذهن را متمرکز می‌کند. این اتفاقی است که هنگام تایپ‌کردن نمی‌افتد». با وجود این، نوشتن با کاغذ و قلم محدودیت‌هایی نیز دارد که از محبوبیت آن در میان مردم کاسته است. یکی از محدودیت‌های نوشتن با قلم و کاغذ در مقایسه با کامپیوترهای شخصی یا تبلت‌ها این است که تبلت‌ها امکان نوشتن تعداد کلمات بیشتری در طول یک دقیقه را به شما می‌دهند. در یک دقیقه با قلم و کاغذ تنها قادر به نوشتن ۲۲ کلمه هستید اما این عدد درباره کامپیوترها ۳۳ کلمه در دقیقه است. به همین دلیل دانشجویانی که با قلم و کاغذ سر کلاس‌های درس حاضر می‌شوند، تنها قادر به یادداشت‌برداری از یک‌سوم صحبت‌های استادشان خواهند بود. از سوی دیگر کامپیوترها و تبلت‌ها به شما امکان ثبت و نگهداری یادداشت به هر میزان که می‌خواهید را می‌دهند. درصورتی‌که استفاده از کاغذ محدودیت‌های زیادی از نظر تعداد دارد. همچنین دانش‌آموزان و دانشجویان با استفاده از یادداشت‌های کامپیوتری بهتر قادر به ارائه مطالب به‌صورت کنفرانس کلاسی هستند. با تمام این مزایا تحقیقات نشان می‌دهد یادداشت‌های دیجیتالی تنها ۲۴ ساعت در حافظه باقی می‌مانند و پس از یک روز کاملا از ذهن پاک می‌شوند مگر اینکه شما مجدد به کامپیوتر، تبلت یا تلفن هوشمندتان مراجعه کنید. این مدت‌زمان برای کسانی که با قلم و کاغذ می‌نویسند، یک هفته است.

کارتون خواب

فیروزه مظفری
firoozeh.mozaffari@gmail.com

در گرامیداشت روز جهانی بهداشت و سلامت

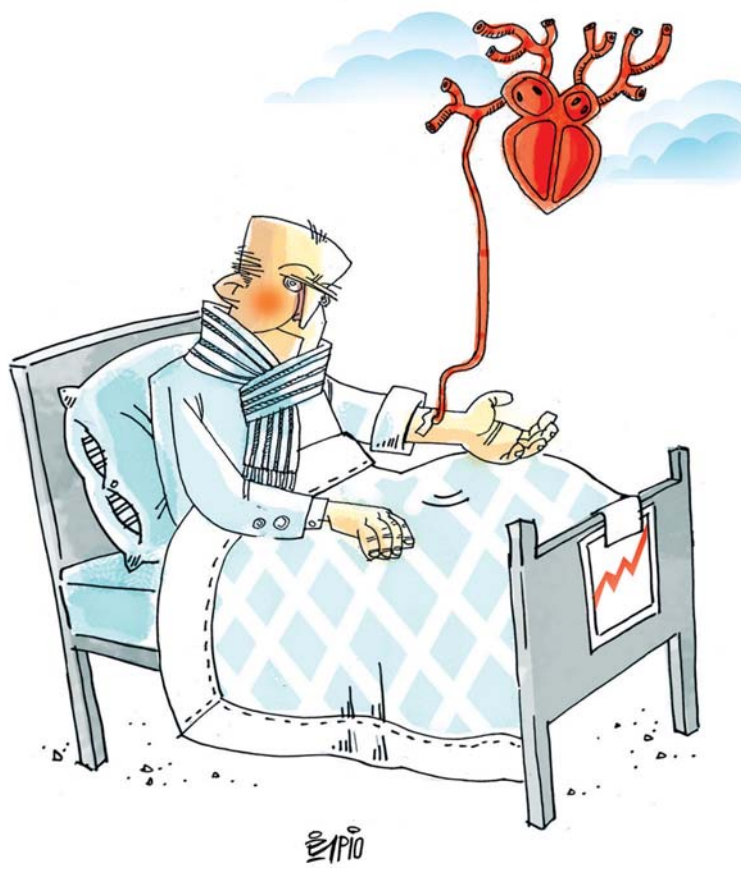

اولویت‌های دولت یازدهم

فرصتی برای الگومحوری زنان

مینو مرتاضی‌لنگرودی

زنان زمانی می‌توانند به برابری جنسیتی دست یابند که در سطوح کلان کارگزاری به‌عنوان آمر و برنامه‌ریز و تصمیم‌ساز و در سطح خرد به‌عنوان مجری آگاه طرح‌ها و تصمیمات متخذه به یک نیروی سیاسیِ اجتماعی شناخته‌شده و قابل‌پذیرش در سطح جامعه و ملی تبدیل شده باشند. ازاین‌رو اولویت دولت باید ایجاد نهادهای لازم برای حضور بی‌واسطه و باواسطه زنان در عرصه‌های کلان و خرد تصمیم‌سازی و اجرا باشد. حساس‌سازی نسبت به تبعیضات جنسیتی و اصلاح روابط جنسیتی و توزیع منصفانه مناصب و جایگاه‌های کلان و کلیدی در چشم‌انداز برنامه‌های رفاهی، آموزشی و برنامه‌های توسعه به‌نفع زنان باید از اهم اولویت‌های دولت باشد.

هرچند ذکر این نکته ضروری است که پیگیری فعالان حقوق زنان برای تدوین استراتژی‌های جنسیتی سبب شده تا فعالان برابری‌خواه حقوق زنان تبدیل به جمعیتی بیرون‌نگر و وابسته به کمک‌های دولت بار بیایند. و استراتژی توانمندسازی زنان با زنان تبدیل به پروژه‌های توانمندسازی برای زنان شود. درواقع روش‌های تحقق حقوق برابر زنان و مردان به روش‌های دولت‌محور یا شخصیت‌محور تقلیل داده می‌شود و مطالبه‌گری زنان تبدیل به مجمع ساخت چهره‌ها و دادخواهان حرفه‌ای حقوق برابر زنان می‌شود. به‌این‌ترتیب پروسه حق‌خواهی تبدیل به پروژه‌های فمینیستی با عاملیت چهره‌های مشخص و تحت سایه افراد خاص قرار می‌گیرد و موقعیت‌های موسمی و فصلی برای بحث درباره حقوق زنان و سخنرانی و طرح شعارهایی در باب رفع تبعیض‌ها می‌سازد و دیگر هیچ؛ تا موسم بعدی و احتمالا انتخاباتی دیگر. درحالی‌که دولت با عمل به وظیفه و تعهد خود در قبال فعال‌سازی جامعه مدنی در سطح کشور و در حوزه زنان می‌تواند به‌جای کنش‌های مقطعی و فرصت‌های کوتاه‌مدت بحث بر سر حقوق زنان و بایدونبایدهایش تحت سایه افراد و چهره‌های مشخص، از طریق سپردن کار به خود مردم در نهادهای مدنی و ان‌جی‌اوها، بستر لازم را برای گذار زنان از جامعه توده‌وار و ژلاتینی به‌سوی جامعه حق‌مدار، مطالبه‌محور و مسئولیت‌پذیر مدنی فراهم کند. بدون ارتقای سطح آگاهی‌های سیاسی- اجتماعی مردم و زنان نمی‌توان از زن‌ها انتظار حرکت مناسب برای تحقق مطالباتشان را داشت. به نظر می‌رسد تاکنون مخاطب سیاست‌ها و استراتژی‌های دولت درباره زنان، زنان بوده‌اند. درحالی‌که یکی از سخت‌ترین انواع مقاومت در برابر تغییرات ارزشی نقش‌های جنسیتی از سوی مردانی صورت می‌گیرد که حس می‌کنند اگر زنان به حقوق برابر دست یابند آنها را تحقیر خواهند کرد درواقع مقاومت مردان، ناشی از رفتارهای تحقیرآمیزی است که درباره مردانی که تحت فشارهای فزاینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند، در عرصه عمومی اعمال می‌شود. برای رفع چنین خودزنی مردانه‌ای که اعتبار و ارزش‌های نهاد دیرپای خانواده را مضمحل کرده، لازم است از مردان هم برای گفت‌وگو درباره مسائل زنان و رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و تغییرات نقوش و کلیشه‌های جنسیتی دعوت کرد و گفتمانی سراسری در مورد نقش‌ها و شتاب شتابنده تغییر ارزش‌ها و ژرفای فزاینده شکاف نسلی بین زن و مرد در عرصه عمومی بین زنان و مردان و بین مردم و دولت از طریق سازوکار نهادهای مدنی برقرار کرد. جامعه مدنی مستقل از نفوذ دولت جای مناسبی برای آموزش و تمرین کار جمعی و گفتمان‌سازی توانمندشدن شخصی است بدون اینکه بار مالی‌ای بر دوش دولت بگذارد. با ذکر این نکته اطمینان‌انگیز که مستقل و بیرون از نفوذ دولت‌بودن نهادهای مدنی به معنای قانونمند نبودن آنها نیست و برعکس نهادهای مدنی مشوق کنش مدنی قانونمند و مشوق مردم برای عمل به قانون و تحقق جامعه قانون‌مدار است. درواقع اگر دولت تحقق شعار برساخت جامعه مدنی مستقل و پرقدرت از دل توده‌های ژلاتینی را اولویت خود قرار دهد و به مردان و زنان جامعه‌اش اعتماد کند، با متشکل‌کردن آنها در نهادهای مدنی موردعلاقه‌شان می‌توانند مطمئن باشند که آنها با کمترین هزینه به سروساماندهی امور خود و ذی‌نفعان خواهند پرداخت.

بنا بر اصل خودکفایی، نهادهای مدنی با متمرکزشدن روی مطالبه یا مسئله‌ای خاص زمینه‌های مناسب برای ارائه پاسخ‌های کارشناسی و تخصصی مشخص به مسائل مشخص را با کمترین هزینه فراهم می‌آورند. فقط کافی است دولتمردان و به‌ویژه زنان را ببینند و به دغدغه‌های آنان برای حل مسائل و رفع مشکلاتشان اعتماد کنند.

پاسخ به فراخوان

تلفات جاده‌ای و «تأخر فرهنگی»

امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس

● چه اتفاقی افتاده که راننده‌ها به‌جای ساخت خاطراتی خوش از تعطیلات عید، رقم‌زننده لحظه‌های تلخ و سیاه‌پوشی عزیزان خود و دیگران هستند؟ شاید بتوان پاسخ این پرسش تکراری را در تئوری «تأخر فرهنگی» جست‌وجو کرد. «تأخر فرهنگی» به معنای فاصله‌ای است که میان فرهنگ معنوی (ذهنیت، طرز فکر، بینش و اندیشه) و فرهنگ مادی (به‌مثابه تکنولوژی و ماشین) وجود دارد. فاصله میان خرید خودرو و فرهنگ استفاده از آن نشانه واضحی از تئوری «تأخر فرهنگی» است که آسیب‌هایش هرساله و در نوروز که میزان سفرهای جاده‌ای افزایش می‌یابد، راحت‌تر دیده می‌شود. هر جامعه‌ای که زودتر با وسیله و تکنولوژی آشنا شده باشد، تأخر فرهنگی کمتر و به‌دنبال آن رفتار مناسب‌تری با آن وسیله دارد. بخش غربی اروپا، ۲۰۰ سال است که با خودرو آشنا شده اما در ایران، عمر ماشین دودی نهایتا به صد سال می‌رسد و طبیعی است که ما در قیاس با آنها، در استفاده مناسب از وسیله نقلیه، تأخر فرهنگی بیشتری داشته باشیم. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که در برابر چنین اتفاقی چه باید کرد؟ اولویت‌ها متفاوت‌اند اما بالابردن میزان جرایم رانندگی و حتی کیفری یکی از راهکارهای کاهش تلفات جاده‌ای و کاستن از این تأخر فرهنگی است. راننده‌ای که در جاده با ماشین راننده‌ای دیگر تصادف می‌کند، فقط خودروی آن فرد را مورد خسارت قرار نداده، بلکه به خانواده او نیز صدمات و لطمات جانی و روحی وارد کرده است؛ بنابراین ورود نگاه کیفری به موضوع جرایم رانندگی می‌تواند دراین‌زمینه راهگشا باشد. ازسوی‌دیگر فکر می‌کنم ما در مسیر فرهنگ‌سازی باید تمرکزمان را بیشتر روی موضع‌هایی بگذاریم که از این تأخر فرهنگی رنج بیشتری می‌برند. روستاها و مناطق دورافتاده بخش‌های مهمی از جامعه ما هستند که کمترین میزان آشنایی را با علائم رانندگی و هشدارهای قانونی در این زمینه دارند. چه خوب است با بردن علائم و نشانه‌های راهنمایی و رانندگی به روستاها، در فرهنگ‌سازی رانندگی درست برای نسل‌های بعد، یک قدم بزرگ، مهم و سرنوشت‌ساز برداریم.

ماجرای عشق و عاشقی میدون

من روی دختر همسایه حساسم

پوریا عالمی

من میدون هستم، میدون دوم و عاشق سوفیا، آدم هم که عاشق باشد هیچی براش مسئله‌ای نیست. منتها مسئله اینجاست که بابای سوفیا عاشق من نیست و همه‌چی من براش مسئله است. از جمله مسائل خاورمیانه، مسئله سوراخ لایه ازن، مسئله انتخابات آمریکا و مسئله شغل من.

اصلا این‌طوری بگویم که جوانان ژاپنی فکرشان توی مادربرد است و من فکرم توی بابای سوفیاست.

خلاصه بعد از مدت‌ها مطالعه نیازمندی‌ها و خواندن شغل‌های موردنیاز، توی صفحه سیاسی توانستم شغل مناسب پیدا کنم. تا شغل را پیدا کردم پا شدم و روزنامه را زدم زیر بغل و رفتم پیش بابای سوفیا و گفتم: من آمده‌ام خداحافظی کنم.

بابای سوفیا گفت: خداروشکر. به‌هرحال آدم شدی و آمدی خداحافظی کنی که دست از سر ما برداری؟

گفتم: نه. من آمدم خداحافظی کنم که بروم سر کار.

بابای سوفیا گفت: خسته نباشید بعد از عمری یک کار پیدا کردی، جای اینکه پا شوی مثل بچه آدم بروی سر کارت، زرتی آمدی پیش من که داداردودور داداردودور همه باخبر باشند که داری می‌روی سر کار؟

گفتم: نه. من چون بابت کار باید از کشور خارج شوم و شما اگر اجازه بدهید سوفیا را هم...

که بابای سوفیا گفت: داری می‌روی خارج سر کار؟ آفرین پسر. حالا کدام کشور می‌خواهی بروی؟

گفتم: روسیه.

بابای سوفیا گفت: آفرین. آفرین. حالا روسیه چه کاری خالی مانده که لنگ یکی مثل تو هستند؟

گفتم: گرفتن دخترانشان. رزومه فرستادم، گفتند اصلا آدم به این فعالی در تاریخشان ندیده‌اند.

بابای سوفیا گفت: چی؟ چه‌کاری؟

گفتم: «به گزارش باشگاه خبرنگاران، منابع خبری اعلام کردند: ولادیمیر بعرطش، رئیس شورای فدرال روسیه، اعلام کرده که قرار است پارلمان روسیه قانونی را بررسی کند که براساس آن هر خارجی‌ای که با یک دختر روس ازدواج کند، به او ۱۵هزار دلار آمریکا و تابعیت روسیه داده می‌شود».

بابای سوفیا گفت: خب؟

گفتم: هیچی دیگر. من می‌روم روسیه سر کار. ۱۵هزار دلار درمی‌آورم. تابعیت هم می‌گیرم و برمی‌گردم سوفیا را می‌گیرم.

بابای سوفیا: پسره آسمون‌جُل، ما واسه کار می‌رفتیم ژاپن مرده می‌سوزاندیم، تو می‌روی روسیه دختر بگیری؟ فشار بهت نیاید.

گفتم: نمی‌دانم. چون سرچ کردم دیدم میانگین قد روس‌ها خیلی از ایرانی‌ها بیشتر است. می‌ترسم ضربه روحی بخورم.

بابای سوفیا گفت: آمدی خداحافظی کنی بروی روسیه زن بگیری بعد بیایی دختر من را بگیری؟

گفتم: کار که عار نیست. همه این کارها به خاطر سوفیاست. تازه من می‌خواهم بروم صحبت کنم اگر بگیری و ول کنی و دوباره بگیری، چندتا حساب می‌کنند. یعنی اگر چهاربار اجازه بدهند بگیرم ول کنم ۶۰هزار دلار می‌گیرم.

بابای سوفیا لوستر را از سقف کند و پرت کرد سمت من و من هد زدم و او داد زد: بی‌تربیت بی‌توجه به ناموس... پسر، من روی ناموس و وطن و پرسپولیس حساسم... روی دختر خودم و دختر همسایه - دیواربه‌دیوار یا کشور همسایه‌اش فرقی نمی‌کند- هم حساسم... بعد تو آمدی هم روی حساسیت من اینجا دست می‌گذاری، هم می‌خواهی بروی روسیه روی حساسیت من آنجا دست بگذاری؟

گفتم: حساسیت کدام است؟ کار سختی است. حالا رفتم سر کار عکس می‌فرستم ببینید.

بابای سوفیا در خانه را باز کرد و درحالی‌که داشت من را شوت می‌کرد بیرون، گفت: پسر تو جای روسیه باید بروی سیبری. بعد هم اتفاقا من دنبال یک شغل آبرومند برای دوران بازنشستگیم بودم. بخواهم بروم روسیه کجا باید رزومه بفرستم؟

گفتم: پس این را بگو.

بعد داد زدم: سوفیا... سوفیاااا... بابات می‌خواهد برود روسیه زن بگیرد...

بابای سوفیا هم گفت: ای دهن‌لق. حالا یک عشقی نشانت بدهم...

(ادامه دارد).

نتیجه‌گیری ۱: در ایران کار نداشته باشی می‌روی زن می‌گیری. در روسیه زن بگیری کار پیدا می‌کنی.

نتیجه‌گیری ۲: اگر رفتید خواستگاری و پرسیدند کارتان چیست، بگویید همین که دختر شما را می‌گیرم یعنی سر کارم.

نتیجه‌گیری ۳: اگر رفتید خواستگاری و گفتند پنج‌میلیون‌تومان شیربها بدهید، بگویید می‌روم دختر روسی می‌گیرم که ۱۵هزاردلار هم دستی می‌دهندها.

پیشخوان

● پنجمین شماره فصلنامه «استارباد» منتشر شد و جالب اینجاست که همچون سلوک این مجله در شماره‌های پیشین، در این شماره هم، ویژه‌نامه مفصلی برای «دکتر فرامرز سلیمانی»، بانی موج سوم شعر معاصر و «پرویز رضایی»، بنیان‌گذار نشریات فرهنگی گرگان منتشر شده است. سیاق این مجله استفاده از چهره‌های نام‌آور بومی برای معرفی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و فرهنگ غنی سرزمین پهناور گرگان است و اتفاقا در هر شماره، این رسانه توانسته برگی رو کند. در این شماره به قلم اسدالله معطوفی، منابع خبری نشریات عهد قاجار در استرآباد بررسی شده‌اند و غلامرضا قاری، جشن‌های ایران باستان را یادآوری کرده است. یادنامه‌ای برای ضیا سیدحسینی و عیسی فیوج هم از دیگر بخش‌های خواندنی و تاریخی مجله هستند که به دو شخصیت ادبی و موسیقیایی می‌پردازد که هر دو به‌نوعی زادگاه خود را به مدد هنرشان معرفی کرده‌اند. بخش دیگری از این شماره استارباد هم به بحران خشک‌سالی در سرزمین گرگان و راه‌های مقابله با آن می‌پردازد.